

جرون نام و کشم نامه واکنشی حماسی در برابر حضور بیگانگان

مریم کاشف نیا^۱

مقدمه:

سرآرنولد ویلسون مولف کتاب خلیج فارس کتابش را اینگونه آغاز می کند. هیچ دریایی دیگری نیست که بیش از خلیج فارس توجه علمای معرفه الارض و باستان شناس و مورخین و جغرافی نویسان و تجار و سیاستمداران و جنگ جویان را مشترکاً به خود معطوف ساخته باشد.

این سخن ویلسون نشانگر اهمیت و مهم بودن این آبراه را برای جهانیان به اثبات می‌رساند چنانچه در قرن ۱۰ ه و رود استعمارگران را به این خلیج شاهد هستیم، که در کنار اقیانوس هند و دریای احمر، بندر هرمز نیز اهمیت کلیدی برای آنان داشته، در این مقاله به چگونگی اشغال هرمز و قشم توسط نیروهای پرتغال و آزاد سازی آن توسط امامقلی خان به حکم شاه عباس و بررسی دو حماسه جنگامه کشم و جرون نامه پرداخته شده است.

کلمات کلیدی: جرون ، کشم، خلیج فارس، قشم، بندر عباس، پرتغالیها

^۱کارشناس ارشد تاریخ ایران باستان

حضور پرتغالیها در جنوب ایران

تسخیر هرمز توسط آلبوکرک پرتغالی، شروع دوره ای جدید در جنوب ایران را باعث شد.

وی با حمله به مستط و آتش زدن این شهر که از شهرهای تابع امیر هرمز بود خود را به ساحل بندر هرمز رسانید. و با کمک اسلحه و توپ امیر هرمز که کودکی ۱۳ ساله بود را خراجگذار خود کرد. و قرار دادی تحت شرایط ۱- هیچ کشتی بومی بدون اجازه ماموران پرتغالی در خلیج تجارت نکند. ۲- کالاهای پرتغالی از دادن مالیات و گرکی معاف باشند. آلبوکرک دستور به ساخت استحکاماتی در هرمز داد، هنگامی که شاه اسماعیل از امیر هرمز طلب خراج سالیانه را کرد، آلبوکرک پادشاه پرتغال را حاکم هرمز اعلام کرد و هر گونه خراجگذاری به ایران را رد کرد.

شاه اسماعیل نیز که درگیر غائله از بکان از یک سو و ترکان عثمانی از سوی دیگر بود فرصت رسیدگی به امور هرمز را پیدا نکرد، آلبوکرک در ۹۲۱ درگذشت ولی تسلط پرتغالیهای بر خلیج فارس برقرار بود و کشتیهای پرتغالی انحصار تجارت در خلیج فارس را بر عهده داشتند و به عنوان حاکم هرمز خراج سالیانه دریافت می کردند.

دو حوزه شاه طهماسب پادشاه پرتغال برای جلب حمایت ایران از پرتغالیها یک هیات ۵۰ نفره را به نزد شاه طهماسب صفری فرستاد شاه طهماسب نیز از آن جهت که پرتغالیها با مردم سلمان در معرض رفتاری وحشیانه داشتند و ایشان راحتی از

ساختن مسجد جلوگیری می کردند فرستادگان پادشاه پرتغال را به سردی پذیرفت و تا پایان عمرش اجازه بازگشت آنها را نداد در سال ۹۸۸ هـ کشور پرتغال زیر سلطه دولت اسپانی قرار گرفت.^۱

در سال ۱۰۰۷ هـ پادشاه اسپانی دو نفر از کشیشان را از راه هرمز به ایران فرستاد. شاه عباس کشیشان را به گرمی پذیرفت و هدایایی نیز به آنان داد.

در سال ۱۰۱۰ هـ اله وردی خان فرمانروای فارس به فرمان شاه عباس جزایر بحرین را پس از هشتاد و چهار سال از تصرف پرتغالیها خارج کرد.

و پرتغالیها را از راه خشکی مردم بحرین را تحت فشار قرار دادند و الله وردی خان متقابلاً شهر جرون را مورد محاصره قرار داد.

فرستادن دو سفیر از سوی ایران حسینعلی بیات و آنتونی شرلی به دربار اسپانیا و قول ساعت از سوی ایران، به شرط آنکه اسپانیا دولت عثمانی را تحت فشار قرار داده و از تجارت این کشور در دریای سرخ خود جلوگیری کند.^۲

نه فیلیپ و نه شاه عباس به وعده های خود عمل نکردند.

چند سالی بود که روابط بین عباس و پرتغالی ها رو به سردی نهاده بود.^۳

خبرهایی که از ناحیه هرمز و قشم به شاه عباس می رسید و نارضایتی مردم در این نواحی را شامل می شد خبرهایی از قبیل سیاست خشن و ظالمانه پرتغالی ها نسبت

۱- نوایی، عبدالحسین، مجموعه اسناد و مکاتبات، ص ۲۵۷.

۲- نوایی، عبدالحسین، مجموعه اسناد و مکاتب، ص ۲۳۲.

۳- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ص ۱۱۱.

به مردم بومی و نقاط متصرفی، دخالت و نفوذ شدید پرتغال برابر تجارت، بی‌احترامی به مسلمانان، نبود امنیت بد رفتاری با مردم عادی و گران شدن اجناس خوراکی برای ساکنان قشم و هرمز^۱، همچنین گرفتن گمرکات از هدایایی که برای شاه عباس از هند آمده بود و این امر تا قبل از آن مرسوم نبود که با رسیدن این خبر به گوش شاه عباس وی را برانگیخت^۲.

همچنین سخت شدن معیشت در ناحیه هرمز بر مردم و با دادن کیسه های برنج یا پارچه و هدایای کم ارزش آنها را به دین مسیحیت دعوت می کردند^۳.

پدر تیکشیرا که در سال ۱۰۱۳ هـ / ۱۶۰۴ م تمامی سواحل خلیج فارس را از نزدیک بازدید کرد، متوجه شد که جزیره قشم با همه توانایی ها و استعدادهای طبیعی خود، جمعیت بسیار اندکی را در خود جای داد است. او دلیل این امر را ظلم و ستم عمال پرتغالی و چپاول و غارت مردم دانسته است. وی در حین سفر به طرف بصره خود شخصاً شاهد تصرفات وحشیانه پرتغالیها به مردم ساحل نشین بود، او می نویسد: کشتیهای پرتغالی ترجیح می دادند که کاروانهای تجاری را مصادره و توقیف نمایند و تجارت خود را مانند دزدان دریایی انجام می دادند و چنانکه چیز با ارزشی به دست می آوردند بسیار شادمان شده و جشن می گرفتند^۴.

۱- بیانی، خانابا، ص ۷۴۰.

۲- همو، همان، ص ۷۴۲.

۳- ن ک، آقا محمد زنجانی، مهدی، اسناد تاریخی روابط ایران و پرتغال.

۴- وثوقی، محمد باقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار ص ۲۵۱.

اسکندر بیک منشی نیز در تاریخ عالم آرای عباسی می آورد: اما از فرنگیه مکرراً آثار طغیان و بی اندامی صدور یافته با متر و دین مسلمان سلوک ناهموار می نمود و با منسوبان این دولت به مکر و حیل پیش آمده یکدو مرتبه سفارش لشکر و توپخانه از راه دریا به استرداد بحرین فرستاده کاری نساختند.^۱

اما یکی دیگر از عللی که سبب بیشتر آگاه شدن شاه عباس نسبت به اموری که جنوب ایران می گذشت فتح لارستان در سال ۱۰۱۰ هـ بود که محدوده قلمرو امرای لارستان هرمز را نیز شامل شده و هرمز خراجگذار این حکومت به شمار می رفت، افتادن حکومت لارستان به دست اله وردیخان سبب ملموس شدن اوضاع نابه هنجار هرمز توسط این امرا شد.^۲

از سوی دیگر نامه های دیگر کشورهای اروپایی که در اعتراض با سیاستهای اسپانیا و پرتغال در این منطقه بود.

صنعت ناوگان دریایی ایران و نبود امکانات کافی برای حمله به پرتغالیها، دعوت از نیروی کمکی کشور انگلیس و باز شدن پای این کشور به آبراه خلیج فارس را سبب شد انگلیس و پرتغال که بر سر مسئله کمپانی هند شرقی خصومت دیرینه داشتند و این مسئله سبب استفاده شاه عباس از این نیرو در براندازی حکومت پرتغال در جنوب ایران شد.

آنتونی شرلی مامور رایزنی در دربار انگلستان شد.

۱- مستوفی، حمد الله، ص ۱۶۲۱ تا ۱۶۲۶، فتح هرمز.

۲- وثوقی، همان، ص ۲۵۵.

شاه عباس معاهده ای تحت مفاد زیر را با دولت انگلستان خواستار شد:

حق معامله آزاد در سراسر کشور، سفیری به طور دائم در ایران از جانب انگلیس حضور داشته باشد، برای انتصاب مامورین و عاملین، در زمان و مکان لازم اختیار داشته باشد، آزادی اجرای مراسم مذهبی برای اتباع انگلیسی متضمن شد و قضاوت بر عهده سفیر گذاشته شد. به علاوه شاه قول داد سالیانه ۱۰۰۰ تا ۳۰۰۰ عدل ابریشم با نرخ معین برای کمپانی تامین کند و کمپانی بتواند این ابریشم را بدون پرداخت عوارض گمذکی از جاسک حمل کند. شاه عباس در عوض این امتیاز انتظار داشت انگلیسی ها در اخراج پرتغالی ها از هرمز یاری اش کنند.^۱

کمپانی هند شرقی انگلیس در سال ۱۰۲۴ به باز کردن روابط تجاری به ایران شروع کرد و علت اقدام این کمپانی به ایرانی بود که مقداری از اجناسی و کالاهایی که به هند وارد کرده بود و در هند بازاری نداشت را به ایران بیاورد و این همزمان شد با ورود آنتونی شرلی به اصفهان.^۲

ادوارد کاناک نماینده کمپانی هند شرقی انگلیس با یک هیئت بازرگانی به ایران وارد اصفهات شد ولی چون شاه عباس در جبهه جنگ گرجستان بود کاناک و همراهانش نیز به قفقاز رفتند.^۳

۱- سیوری، راجر، ایران عصر صفوی، ص ۱۱۰.

۲- اقبال آشتیانی، عباس، ص ۸۴.

۳- کیوانفر، محمد رضا، ص ۱۱۳.

رایزنی ایران و انگلیس قریب به یک سال طول کشید تا انگلیس چند کشتی در اختیار ایران قرار دهد.^۱

در این پس اسپانیا و پرتغال که از توافقات بین انگلیس و ایران مطلع شده بودند نماینده ای به ایران فرستاده و از شاه عباس می خواهد که نگذارد پای انگلیسی ها به ایران باز شود زیرا با اختلافات قدیمی که بین دولت پرتغال و انگلیس ها است، ممکن است ضربه به منافع پرتغال وارد شود.^۲

دن گارسیا دسیلوا ای فیگوئروا که آخرین سفیر فرستاده از جانب شاه اسپانیا به ایران است نمی تواند با شاه عباس تعاملی به وجود بیاورد، در عوض در هنگام ورود به ایران از دژهای قشم و هرمز دیدار می کند، و امضاع آنها را مناسب نمی بینید و رفتار فرمانده هان پرتغالی را با مردم را نکوهش می کند، او همچنین به نبود نیروی کافی در این تاسیسات اذعان دارد.^۳

انگیزه فرستادن دن گارسیا به ایران این بود که رابرت شرلی در سفر نخستین خود به اسپانیا به فیلیپ سوم وعده داده بود که اگر وی به ترکان عثمانی حمله کند شاه ایران حاضر است انحصار تجارت ایرانی را به بازرگانان اسپانیا واگذار نماید^۴، اما با وجود اینکه هیچگونه همکاری از جانب اسپانیا برای ایران انجام نشد، اسپانیا همچنان خواستار تجارت با ایران بود، شاه عباس علاقه ای به همکاری با اسپانیا از خود

۱- اقبال آشتیانی، همان ص ۸۷.

۲- پیتر و دلاواله، ص ۳۰۴.

۳- ن ک، دن گارسیا فیگوئروا، سفرنامه، ص ۶۱.

۴- نوایی، عبدالحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در عصر صفویه، ص ۱۰۳.

نشان نداد زیرا شاه عباس پرتغال و اسپانیا را یکی می دانست و دیگر اینکه اسپانیا در گذشته مقبول به قول واقع نشده بود. پس دستور حمله به هرمز را به امامقلی خان حاکم فارس صادر کرد.^۱

در همان حال سه هزار مرد از اعراب و مردم محل لار دژ قشم را محاصره کرده اند و در همین حال امامقلی خان حاکم شیراز با پنج هزار مرد جنگی به قشم رسید.^۲

امامقلی خان، حکمران فارس که بدایتاً در برون راندن پرتغالیها شکست خورده بود با پشتیبانی نیروی انگلیس توانست قلعه را محاصره کند، و قشم را فتح کند، در پس تسخیر قشم، راه برای حمله به خود جزیره هرمز هموار گردید. امامقلی خان دو نفر نماینده نزد ناخدا بلیث و ناخدا و دل جمعی شرکت هند شرقی انگلیس فرستاد و از آنها در حمله به هرمز درخواست همکاری کرد. زمانیکه آنان با درخواست امامقلی خان مخالفت وزیدند امامقلی اعلام کرد که هر گونه کوتاهی و قصور در این همکاری به مفهوم ابطال کلیه امتیازات بازرگانی شرکت هند شرقی در ایران تلقی خواهد شد. این تهدید موجب شد که «ادوارد مونوکس» عامل پیشین شرکت هند شرقی انگلیس در ایران اجباراً به دفاع از انجام درخواست ایرانیان برخیزد. در نتیجه قراردادی به منظور انجام عملیات مشترک نظامی با شرایط زیر حاصل گردید.^۳

۱- همو، اسناد، ص ۲۶۲.

۲- فیگوئروا، صص ۴۷۸ تا ۴۷۹.

۳- سیوری، راجر، خلیج فارس از گورا باستان تا اواخر قرن ۱۸، صص ۵۸ تا ۵۹.

۱- کلیه غنائم متساویاً تقسیم گردد، ۲- انگلیسی ها در هرمز دژی داشته باشند، ۳- انگلیسی ها مجز باشند که صادرات و واردات کالا را در هرمز بدون پرداخت عوارض گمرکی انجام دهند. ۴- نصب عایدات گمرکی کالاهای دیگری که از طریق هرمز انجام می گیرد به انگلیسی ها تعلق یابد، ۵- اسرای مسیحی به انگلیسی ها و سایرین به ایرانیان تحویل داده شوند. ۶- حکمران فارس نصب هزینه های کشتی های شرکت را در این عملیات تادیه نماید.^۱

این عهدنامه به نام کوهستک میناب مشهور شد.

جنگ با هرمز را قدری در جرون نامه آورده است، در این جنگ گمرکخانه هرمز که به بنکسار شهرت داشت به تصرف قوای ایران درآمد و پس از آن قلعه به محاصره کامل درآمد. توصیف او دقیقاً مطلب یان اسمیت است.^۲

از فتوحات که در این سند مبارکه ایت نیل مطابق احدی وثلثین و الف به نیروی اقبال قرین حال اولیاء دولت بی زوال گردید فتح و تسخیر بلده هرمز است که به سعی امامقلی خان امیر الامراء فارس به وقوع پیوست در سال گذشته اشعاری شد که بنابر ظهور بی ادبیهای فرنگیه پرتگالیه مقیم آن جا امیر الامراء مذکور لشکر به تادیب ایشان فرستاد و خود نیز متعاقب آن رفت.^۳

۱- همو، همان، ص ۵۹.

۲- فلور، ویلم، اولین سفرای ایران وهلند، ص ۷۰.

۳- اسکندر بیک منشی، ص ۱۶۲۱.

سپس قلعه و شهر هرمز در دو نوبت به آتش کشیده شد، این که هرمز به کل باید از بین برود طبق توافق بین شاه عباس و مونوکس بود پس از دو ماه محاصره و نرسیدن آب به قلعه سرانجام در بیست و یکم ماه جمادی الثانی سال ۱۰۳۱ هـ ق تمامی پرتغالیها ساکن در جزیره هرمز خود را تسلیم نیروهای انگلیسی کردند.

به ماده جمادی سنانی سپاه در احدی و عشرین ز ایام ماه

گرفتند در ناف هفته به روز دیار جرون را نزدیک و دور^۱

به یمن آزادی این بندر در زمان شاه عباس از گمبرون (جرون) به بندر عباس تغییر نام یافت.

تاورنیه درباره بندر هرمز پس از فتح می گوید: بندرهای این ایالت در طول خلیج فارس بندر عباس و بندر لنگه است. اولی را بندر گمبرون می نامند و میان عامه به هرمز معروف است حال آنکه از هرمز دو فرسخ دورتر و در خشکی قرار دارد و شهر هرمز جزیره روبروی آن است.^۲

گمبرون یا جرون که به اسمهایی دیگر نظیر گمبرو، گمرون و گرون نیز نامیده شده است.

احمد اقتداری درباره جرون می گوید: قرائی که به جرون منصوب بوده اکنون نیز جرون خوانند و جرون تعریب گرون است.^۳

۱- ن ک، جرون نامه.

۲- تاورنیه، ص ۱۴.

۳- اقتداری، احمد، ص ۵۸۰.

و قشم را در زبان محلی کشم گویند که به معنی جزیره دراز می باشد.^۱

آبادی گمبرون قریه کوچکی که در سال ۱۰۲۲ هـ توسط امام قلی خان والی فارس به تصرف درآمد، حدود دویست نفر جمعیت داشت. اما درست چهارده سال بعد، مسافری اروپایی از آن با عنوان آبادترین شهر ایران یاد کرده اند.^۲

آزاد سازی قشم و پس از آن هرمز یا همان جرون جان تازه به ساحل نشینان و جزیره نشینان بخشید که سروده هایی از آنان بر جای گذاشت، دو اثر جنگنامه کشم و جرون نامه که یادآور حماسه آفرینی مردم و به خصوص امام قلی خان است نشانگر عمیق بودن این پیروزی و اهمیت فتح این مناطق را می رساند.

پیتر و دلاواله سیاح ایتالیایی که در همین ایام در منطقه به سر می برد، هر دو روایت منظوم جنگ هرمز و قشم را دید و نسخه هایی از آن را خریداری کرد. این پیروزی بزرگ در واقع تجدید حاکمیت ایران بر بنادر خلیج فارس و دریای عمان به شمار می آید. هر چند برخی مورخین و از آن میان واقعه نگاران انگلیسی از نقش عمده و برجسته نیروی دریایی انگلستان در این نبرد یاد کرده اند اما با مروری اجمالی بر منابع بی طرف و از جمله متون فارسی و پرتغالی می توان دریافت که نیروهای ایرانی به خوبی قادر بودند تا بدون استفاده از کمک انگلیسی ها هرمز را فتح کنند.^۳

۱- همو، همان، ص ۷۴۹.

۲- وثوقی، محمد باقر، ص ۲۷۸.

۳- همو، همان، ص ۲۷۳.

در بررسی دو اثر جنگنامه کشم و جرون نامه نگارنده به بررسی بیداری حس غرور ملی و ایجاد انگیزه مبارزه با بیگانگان می پردازد.

منابع درباره جنگ قشم و هرمز در ایران بسیار کم نوشته اند و بیشتر منابع در این رابطه را اروپائیان و مسافران که از اروپا به ایران آمده اند به یادگار گذاشته اند در این منظر یکی از ارزشمندترین آثار همین کشم نامه و جرون نامه است که اگر به صورت شعر است ولی نکات مهمی از جنگ به دست خواننده می دهد.

جنگنامه کشم و جرون نامه هر دو در کتابی به همت آقایان محمد باقر وثوقی و عبدالرسول خیر اندیش در انتشارات میراث مکتوب به چاپ رسیده اند.

در ابتدای این کتاب محقق نویسنده این دو اثر را مجزا از هم دانسته است و مهمترین دلیل وی آوردن واژه کشم در جنگنامه کشم و قشم در جرون نامه می باشد که دلیل منطقی است.

قشم در زبان محلی کشم نامیده می شود چنانچه در قبل در متن آورده شد جنگنامه کشم احتمالاً سروده شاعری ناشناس او اهالی سواحل خلیج فارس و ناحیه هرمز می باشد.

ولی جرون نامه سروده قدری است که تحصیل کرده و وارد به امور سرودن شعر می باشد.

هر دو اثر از نظر ادبی و همچنین تاریخ نگاری ارزشمند بوده و نشانگر غرور ملی در ایندوره تاریخی می باشند.

جنگنامه کشم در ابتدا با مدح پیامبر اکرم (ص) شروع شده با منقبت حضرت علی (ع) و ستایش شاه عباس به شرح ماجرا می پردازد و چنین این واقعه را شرح می دهد:
چو الف [و] ثلاثین بد از هجر سال

بیامد یکی لشکر از پرتگال...

بنای یکی قلعه درکشم کرد

دل خان ایران پر از خشم کرد ...

... بناگاه آن کافر بد نهاد

شکست سپاه مسلمان بداد...

... که اینک سپاهی بجنگ آمده

بر شاه ما از فرنگ آمده...

و برای جنگ با ایشان شاه عباس امامقلی خان والی فارس را به مبارزه می فرستد.

کمر بسته شاه مردان علی...

ورا اسم نیکو بدی شاه قلی^۱

دلیران جنگی و مردان مرد...

.. شب و روز با کافران در نبرد

در جای دیگر دعای مردم عادی را می گوید که چگونه به درگاه خداوند برای پیروزی

ایرانیان دعا می کردند:

بحق امامان پاکیزه دین

خدایا بحث رسول امین

شکستی به گبران گمراه ده

که فتحی تو بر لشکر شاه ده

۱- شاه قلی، تام ددیگر همان امامقلی خان است که اسماء متعدد در این جنگنامه آمده.

در جای دیگر از غیرت امام قلی خان می گوید و کمبود سلاح و امکانات او را در مقایسه با پرتغالیها می گوید:

روایت کند را وی هوشیار
چه یک مرد جنگی و چه یک هزار
چو در دست بگرف شمشیر کین
ملک در فلک گفت صد آفرین
اگر صاحب گرز و کوپال نیست
به مردی کم از رستم زال نیست
گه جنگ در جرئت و پردلی
گرو بوده از رستم زابلی...

رشادت و جنگاوری امامقلی خان را شاعر با رستم پادشاه حماسی ایران باستان مقایسه می کند علاقه مردم به آزادسازی قشم و بیگانه گریزی چنان جایگاه والا به امامقلی خان می دهد که او را با پهلوان اسطوره ای ایران در یک جایگاه می بینند.

در جای دیگر از شجاعت و دلیری شاهان ایران و به خصوص شاه عباس می گوید:

ندانی که نواب ایران زکین
چه نوعیست مردانه در روز کین
اگر همچو ماهی به دریا شوی
اگر از قشری بر ثریا بشوی
چو او پای غیرت نهد در رکاب
به پیشش چه دریا چه یک قطره آب

بعد از روایت چگونگی فتح قشم و تسلیم شدن پرتغالیان از خبر دادن این پیروزی به شاه عباس می گوید:

چو مژده به نواب عالی رسید
دو رخسار او همچو گل بشکفید
طلب کرد آنگاه یک خامه
به سردار بنوشت یک نامه
که اکنون روان شو تو مردانه وار
بکن تابع امر من بنکسار

مسخر بکن بنکسار جرون
بکن دشمن شاه را سرنگون
در این کار اصلاً تغافل مکن
بمردی بکوش و تعطل مکن...
... به اندک زمان آسرافراز دهر
بزد خیمه و سایبان را به شهر
زدند توپ بر قلعه و بر حصار
خوابش نمودند مردانه وار

تمام شد جنگنامه کشم فی تاریخ یوم الاحد نهم شهر محرم الحرام سنه ۱۰۳۲.

در جرون نامه هم سروده قدری شیرازی در ابتدای متن نوشته شده است:

فی توحید ایزد تعالی و فی تعریف کشور ستانی نواب خانی بن خان امام قلی خان در
ابتدا با نام خدا شروع می کند و سپس پیامبر اکرم (ص) و حضر علی و سپس شاه
عباس و سپس در میان هر مدح که می آورد یک ساقی نامه دارد، و سبب بیان
داستان را گذاشتن یادگاری از خود بیان می کند که تا جهان هست جهانیان از او یاد
کنند.

در بنا کردن قلعه قشم به دست پرتغالیها با این بیت سخن آغاز می کند.

زمانه دگر صحبتی ساز کرد
در بسته فتنه را باز کرد...

در روایت لشکر کشی امام قلی خان به قشم از آنها به عنوان روانه شدن لشکر اسلام
به قلعه قشم یاد می کند که یادآور شدن جنگ با کفار یا دفاع از میهن که در اسلام
یکی از فرایض مهم دینی برای هر مسلمان به شمار می آید.

در تمجید از سپاه ایران و تمجید از امامقلی خان چنین می گوید:

۱- تمامی ابیات، جنگنامه کشم از شاعری ناشناس، تصحیح و تحقیق محمد باقر وثوقی، عبدالرسول
خیر اندیش صص ۱۸ تا ۳۱.

همیشه سپاه مظفر عنان
 چه از شاه دین و چه از میر و خوان
 چو خورشید هر سوی که آرند روی
 شود خوان دشمن روانه چو جوی...
 ... جوانی که او شاهقل نام داشت
 که بود از سبوط ذوی الاحترام
 بتدبیر کشور ستانی تمام
 یکی از سبوط رفیع المقام
 رسیدن خبر رزم اهل اسلام با کفار، قدری همه چیز را با دقت توضیح می دهد و آن
 را در هاله ای از ظرافت های شاعرانه می پیچید و تقدیم می کند، اما از آنجا که وی
 آن مناطق را به درستی نمی شناسد گاهی مکان ها و نام ها را اشتباه بیان می کند.
 سپس فتح قلعه قشم را توضیح می دهد و رسیدن این خبر به شاه و معین کردن
 مستحفظان برای قلعه، رفتن امامقلی خان به هرمز:
 ز دروازه شهر بند جرون
 بیامد سپاه فرنگی برون...
 ... نه معبد بجا مانده نه سومنات
 نه پیر برهمن نه لات و منات
 فرنگی ز خود هم نبودش خبر
 که سوزد همه در سر یکدگر
 و در آخر هم در رایزنی فرنگ با اسلامیان سخن می گوید
 چو صلح مسلمان و قوم فرنگ
 مقرر شد از رای قسمت به جنگ
 دل غازی جنگجو گشت شاد
 که خان زمان در جرون پا نهاد
 و پس از این به وقایع بعدی از قبیل زندگی امامقلی خان تا مرگ دلخراش وی
 می پردازد.^۱

۱- تمامی ابیات، جنگنامه کشم و جرون نامه، به تصحیح و تحقیق محمد باقر وثوقی، عبدالرسول
 خیر اندیش صص ۲۱ تا ۱۹۸.

این پیروزی بزرگ تاثیر به سزایی در تاریخ دوره صفویه و فتح درخشانی در تاریخ ایران به شمار می آید.

نتایج کوتاه مدت این فتح را چنین می توان بیان کرد.

۱- کوتاه شدن دست پرتغالیها از بخشی از تجارت ایران در خلیج فارس.

۲- باز پس گیری بخش بزرگی از خاک ایران.

۳- ایجاد زمینه مناسب برای احیای دوباره حاکمیت ایران در خلیج فارس.

۴- ایجاد حس غرور ملی در مردم ساحل نشین و تلاش گسترده آنان در دفاع از منافع ملی کشور^۱.

اهمیت هرمز را نه به جهت آنکه آب و هوا و منطقه قابل کشت و زرع است بلکه به جهت آنکه منطقه سوق الجیشی و دارای تمدن و فرهنگ بالایی باید بررسی کرد. قدری در رابطه با هرمز چنین می گوید:

جزایر در اقصای عالم بسیست ولیکن به مانند هرموز نیست^۲

لوئیز دوکاموس، شاعر پرتغالی جزیره هرمز را چنین ستوده است:

این کشور بزرگ و پرافتخار ایران است که مردان جنگی پرطاقت بر نغمه رود و چنگ به دیده حقارت می نگرد و به زور و بازو و شمشیر خود می بالند. جزیره جرون را که هوسرانی روزگار اکنون آن را در جاه و نام جانشین شهر هرمز کهن ساخته از خاطر دور مدار.

۱- وثوقی، محمد باقر، ص ۲۷۵.

۲- جرون نامه، ص ۱۰۲.

همچنین میلتن شاعر انگلیسی در قطعه بهشت گمشده در وصف تختگاه می گوید بر فراز تختی نشستہ بود که در شکوه و جلال از ثروت و مال هرمز و هند و جواهر و مروارید بی حسابی که به دست سخاوتمند شرق بر پای شاهان خود می ریزد پیشی می گیرد^۱ حتی سرجان ملکم بر این عقیده است که: کلمه گمرک از کلمه یونانی «Kamerki» از گم‌بردن (هرمز قدیم) ماخوذ گردیده و از آنجا در سراسر ممالک شرق زمین ماخوذ گردیده^۲.

با این تفاسیر شادی بازگرداندن هرمز به ایران برای ایرانیان و غرور این پیروزی برای شاه عباس وصف ناشدنی است.

و شکست بزرگی که به دول بیگانه پرتغال و اسپانیا وارد شد نیز به همین منوال وصف ناشدنی است.

پیتر و دلاواله در سفرنامه خود چنین می گوید: گرچه اله وردی خان واقعاً مرد بزرگی بود، ولی او بود که بحرین یعنی جزیره ای را که در آنجا مروارید عالی صید می کنند از چنگ پادشاه هرمز که تحت حمایت پرتغالیهاست به در آورد و امامقلی فرزند و جانشین او نیز قلعه و بندر را که پرتغالیهاست مایل دریای اطراف آنرا بدست داشتند از آنها بازستاند و باعث تعجب است که به جای شکایت اکنون سفیر اسپانی برای شاه ایران پیشکشی می آورد^۳.

۱- ثواقب، جهانبحش، ص ۷۰۹.

۲- ملکم، سرجان، ص ۵۳۹.

۳- دلاواله، پیتر، ص ۱۱۷۴.

و نامه فری ژوان داکونسیان به فرنان فرماندار هند:

درباره از دست رفتن هرمز آباد غمناکتر دردناک تر از تو شکستی است و تشریح چگونگی فتح قلعه^۱.

و در خاطرات دن گارسیا چنین آمده: تصور خواهد کرد که سخن ما درباره این ساده لوحی [از دست دادن هرمز] و زود باوری افسانه ای بیش نیست در صورتی که برای اثبات این مدعا دلیلی روشن تر از آن نبود که چگونه ممکن است در حالی که مدت کوتاهی پیش از آن حکام هرمز با داشتن پانزده هزار سپاهی و نیروی دریایی عظیم و هر نوع وسائل جنگی و توپخانه از عهده دفاع از شهر هرمز و دژ آن که در طول این سالها آنرا ملک شخص خود [پرتغالیها] می دانستند بر نیامده بودند^۲.

و یا پیتر و دلاواله در جایی اشاره دارد که این پیروزی چنان برای ایران ارزشمند است که «شاه عباس هرگز حاضر نمی شد که در مالکیت هرمز قدرت اروپایی دیگری را شریک خود گرداند»^۳.

اهمیت این بندر با اینکه شرایط آب و هوایی آن برای اروپائیان با آب و هوای معتدل و سردسیر اروپا بسیار رنج آور و دول آنها این سختی ها را برای اینکه اهمیت هرمز را می دانستند تحمل می کردند.

۱- آقا محمد زنجانی، مهدی، ص ۱۶۹.

۲- فیگوئروا، ص ۴۸۸.

۳- وثوقی، محمد باقر، تاریخ خلیج فارس، ص ۲۶۵.

ملوانان گرمای بندر گمبرون را اینگونه توصیف می کردند: «بین گمبرون و جهنم فقط یک اینچ فاصله است.»^۱

واکنش سیاحان اروپایی و نوشته های آنها از این واقعه بیان درد و رنجی است که از فتح هرمز کشیده اند، و نشانگر ارزشمند بودن هرمز برای آنها.

فتح هرمز، نشانگر علاقه مردم ایران به این قسمت از خاک کشور است چنانچه در قبل گفته شد چه مردم محلی و گروه های زیادی از مردم لار و فارس برای حمله به پرتغالیها به آنجا می آمدند.

مردم عادی خود را سهیم در امر این مبارزه می دانستند، از شغلهایی مثل قاضی تا مردم پیشه ور در حمله به پرتغالیها کوشش می کنند.

۱- تاریخ ایران دوره صفویان، کمبریج، ص ۲۱۱.

موخره:

فتح هرمز و قشم، درآندوره با وجود امکانات کم ایرانیان، کاری دشوار و در برخی زمینه ها ناممکن به نظر می رسیده است.

به طوریکه دولت اسپانیا و پرتغال سعی در مقاوم کردن قلعه ها و یا گذاشتن افراد بیشتر و کارآمدتر در آنجا مکردند، این عمل دولت پرتغال نشانگر نادید گرفتن قدرت ارتش ایران در آندوران داشته از طرف دیگر شاه ایران از دو جانب عثمانی و ازبکان مورد تهاجم قرار گرفته بوده که این سبب وارد نشدن وی در مقوله جنوب ایران و انتقال این مسئله به زمان مقتضی بوده است.

فتح هرمز و قشم توان ایرانیان را آشکار می کند و پایگاه مردمی این فتح سبب ایجاد و نسخه جنگنامه کشم و جرون نامه می شود.

اقتدار شاه عباس و سعی امامقلی خان و دیگر افراد لشکر او را باید عامل اصلی این رویداد مهم در تاریخ ایران دانست.

فهرست منابع و مآخذ:

- ۱) آقا محمد زنجانی، مهدی، اسناد تاریخی روابط ایران و پرتغال، تهران: مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، ج اول، ۱۳۸۲
- ۲) اقبال آشتیانی، عباس، مطالعاتی در باب بحرین و جزایر و سواحل خلیج فارس، تهران: چاپخانه مجلس، ۱۳۲۸
- ۳) اقتداری احمد، آثار شهرهای باستانی، سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، تهران: انتشارات انجمن آثار ملی، ۱۳۴۸
- ۴) اسکند بیک منشی، تاریخ عالم آرای عباسی، جلد ۳، تصحیح دکتر محمد اسماعیل رضوانی، تهران: مبتکران مفید، ۱۳۸۱
- ۵) بیات، ارج بیگ، دون ژوان ایرانی، با حواش و یادداشتهای لسترنچ، مترجم مسعود رجب نیا، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۳۸.
- ۶) بیانی، خان بابا، تاریخ نظامی ایران در دوره صفویه، تهران: مرشد، چ اول، ۱۳۸۰
- ۷) تاریخ ایران در دوره صفویان، پژوهش دانشگاه کمبریج، مترجم یعقوب آژند، تهران: جامی، چ اول، ۱۳۸۰
- ۸) تاورنیه، سفرنامه، مترجم حمید ارباب شیرازی، تهران: نیلوفر، چ اول، ۱۳۸۳
- ۹) ثواقب، جهانبخش، تاریخ نگاری عصر صفویه و شناخت منابع و مآخذ، شیراز: نوید شیراز، چ اول، ۱۳۸۰

- ۱۰) جنگنامه کشم و جرون نامه قدری، تصحیح و تحقیق محمد باقر وثوقی و عبدالرسول خیر اندیش، تهران: میراث مکتوب، چ اول، ۱۳۸۴
- ۱۱) دلاواله، پیتر، سفرنامه، مترجم محمد بهفروزی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۰
- ۱۲) سیوری راجر، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸، مترجم حسن زنگه، قم: انتشارات همسایه، چ اول، ۱۳۷۷
- ۱۳) ایران عصر صفوی، مترجم کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز، چ پانزدهم، ۱۳۸۵
- ۱۴) فلسفی، نصراله، زندگانی شاه عباس اول، تهران، علمی، ۱۳۷۵
- ۱۵) فیگرثروا، دن گارسیا، سفرنامه، مترجم غلامرضا سمیعی، تهران: نشر نو، ۱۳۶۳
- ۱۶) کیوانفر، محمد رضا، تاریخ ایران و جهان در قرن شانزدهم، هفدهم و هیجدهم میلادی، تهران: مبتکران مفید، ۱۳۸۱
- ۱۷) مستوفی، حمداله، تاریخ گزیده، تصحیح عبدالحسین نوایی، تهران: امیر کبیر، ۱۳۶۲
- ۱۸) نوایی عبدالحسین، روابط سیاسی و اقتصادی ایران در دوره صفویه، تهران، سمت، چ چهارم تابستان، ۱۳۸۶
- ۱۹) نوایی عبدالحسین، مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشتهای تفضیلی، تهران: نشر زرین، چ دوم، ۱۳۶۶
- ۲۰) وثوقی، محمد باقر، تاریخ خلیج فارس و ممالک همجوار، تهران: سمت، چ اول زمستان، ۱۳۸۴

(۲۱) ویلسون، سرآرنولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سعیدی، تهران: علمی و فرهنگی،

۱۳۶۶،

(۲۲) ویلم، فلور، اولین سفرای ایران و هلند، به کوشش داریوش مجلسی و دکتر حسین

ابوترابیان، تهران: انتشارات تهوری، اسفند ۱۳۵۶.